



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال هشتم / شماره سی‌ودوم / زمستان ۱۳۹۸

بررسی نااطمینانی اقتصادی و تصمیمات وام دهی بانکها

نادر رضایی

استادیار، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
naderrezaeimandoab@gmail.com

علیرضا نوروزی

دانشجوی دکتری مهندسی مالی، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
alinorozy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۲۳

چکیده

عدم اطمینان اقتصادی، تغییرات غیرقابل پیش بینی در متغیرهای اقتصادی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر سایر متغیرها و نهادهای اقتصادی همچون بانکها و مؤسسات اعتباری به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران بگذارد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر عدم اطمینان اقتصادی بر ریسک اعتباری، عملکرد و تصمیمات وام دهی بانکها می‌باشد بدین منظور ابتدا متغیرهای تأثیرگذار بر تصمیمات وام دهی بانکها به سه شاخص (ریسک اعتباری، عملکرد و میزان وام دهی) تفکیک شدند. همچنین نااطمینانی اقتصادی با استفاده از انحراف معیار شش متغیر (نرخ ارز، نرخ بهره سالیانه، تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد ملی، نسبت فروش نفت به درآمد ملی، نسبت مالیات به درآمد ملی) سنجیده، سپس داده‌های تحقیق در بازه زمانی پنج ساله ۱۳۹۰-۱۳۹۴ برای ۱۳ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری و با انجام آزمونهای مختلف به تفکیک متغیرهای خاص بانکی و کلان اقتصادی از مانا بودن متغیرهای پژوهش اطمینان حاصل شد و در نهایت برآورد مدل اقتصادسنجی با فن داده‌های تابلویی نشان داد که در مدل اول، متغیر نااطمینانی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک اعتباری بانکها داشته است. همچنین در مدل دوم، نااطمینانی اقتصادی تأثیر مثبت بر عملکرد بانکها دارد و در نهایت در مدل سوم هیچگونه ارتباط معناداری بین نااطمینانی اقتصادی با میزان وام دهی بانکها یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: نااطمینانی اقتصادی، ریسک اعتباری، وام دهی بانکها و عملکرد.

۱- مقدمه

بدون شک هیچ کس نمی‌تواند منکر آثار متقابل کنش‌های سیاسی و اقتصادی در دنیای امروز باشد و فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های سازمان‌ها و نهادهای مختلف دولتی و خصوصی که ناشی از استراتژی‌ها و سیاست‌های کلان کشور است متأثر از جریان کلی تعاملات و مراودات در صحنه ملی و بین‌المللی است. ثبات و پایداری اقتصادی از پیامدهای مهم ناشی از سیاست‌های منطقی مبتنی بر واقعیت‌های موجود در ارتباطات بین‌المللی است و به‌طور مستقیم بر بهبود و ارتقاء محیط فعالین حوزه کسب و کار مؤسسات و آحاد مردم تأثیر گذار است. وقتی ثبات اقتصادی شکل بگیرد به‌طور طبیعی پس‌لرزه‌ها و مشکلاتی همچون قاچاق و گسترش آن نیز مدیریت می‌شود و باعث ایجاد یک وضعیت اقتصادی منسجم می‌شود.

در سالهای اخیر آزادسازی بازارهای مالی، آنها را در معرض ریسک‌های مختلفی از جمله ریسک اعتباری و نوسان عملکرد قرار داده است و افزایش تجارت جهانی موجب شده است که عدم ثبات اقتصادی به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده سودآوری شرکتها و قیمت سهام آنها مورد توجه قرار گیرد (کیم، ۲۰۰۳). از سوی دیگر اغلب تحلیلگران مالی و اقتصادی بر اینکه درآمدها، هزینه‌ها و سودآوری بانکها مستقیماً تحت تأثیر ثبات اقتصادی قرار دارند، توافق دارند (ساندرز و یوروگو، ۱۹۹۰). ایران مانند سایر کشورهای در حال توسعه همواره شاهد نوسانات عوامل اقتصادی از جمله نرخ ارز، تورم، نرخ بهره، تغییرات تولید ناخالص داخلی در برخی سالها بوده است.

در کشورهایی که بازارهای مالی به‌ویژه بازار سهام پیشرفته و فعال وجود ندارد یا نهادینه نشده است و ارزش پول نیز به دلیل تورم مداوم، کاهش می‌یابد مردم برای جلوگیری از زیانهای ناشی از تورم، دارایی‌های خود را به صورت حقیقی (غیرمولد) پس‌انداز می‌کنند. (توکلیان، ۱۳۹۰). نوسان‌ها و التهاب‌های موجود در هریک از بازارهای مورد اشاره می‌تواند اثرات متفاوتی بر تصمیم‌گیری افراد در نگهداری آن دارایی به‌خصوص داشته باشد، که به نوبه خود بر روابط بازار و شاخصهای اقتصادی از جمله تولید داخلی و تورم تأثیرات بسزایی خواهد داشت. گالوب (۱۹۹۴)، در بیان نحوه‌ی تاثیرگذاری نااطمینانی بر اقتصاد اشاره دارد که نااطمینانی تورمی دو تأثیر اقتصادی می‌تواند داشته باشد. اولین اثر آن منجر به تغییر جهت سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان از آنچه مایل به انجام آن هستند می‌شود که اقتصاددانان از این اثر با عنوان اثر قبل از تصمیمات^۱ یاد می‌کنند و این به معنی آن است که تصمیم‌گیریهای آینده به خاطر نااطمینانی در پیش‌بینی تورم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و دومین تأثیر پس از تصمیمات اتخاذ شده صورت می‌گیرد که از آن تحت عنوان اثر پس از تصمیم^۲ یا اثرات معطوف به گذشته یاد می‌شود. این اثر هنگامی اتفاق می‌افتد که تورم از آنچه مورد انتظار بوده است، متفاوت می‌شود. زمانی که نااطمینانی زیاد است مفهوم غیر قابل برگشت بودن سرمایه‌گذاری در تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بلندمدت با توجه به فرضیه غیرقابل برگشت سرمایه‌گذاری، افزایش نااطمینانی هزینه سرمایه‌گذاری را بالا خواهد برد. در شرکتهای جدید نااطمینانی زیاد موجودی سرمایه بهینه را کاهش می‌دهد. لذا تورم همواره به‌عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر میزان وام‌دهی، عملکرد و ریسک اعتباری بانکها مطرح بوده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰).

سیاست مالی دولت از طریق تغییر در ثروت افراد، می تواند در سبب دارایی افراد تأثیرگذار باشد (کارل، ۱۹۶۱). علاوه بر این، کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، از درجه بالایی از بی ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی برخوردار هستند. در این کشورها نرخ ارز، قیمت سهام و سایر متغیرهای کلان نسبت به اقتصادهای پیشرفته و صنعتی بیشتر در حال نوسان بوده و این نوسان ها نیز به نوبه خود محیط نامطمئنی را برای سرمایه گذاران ایجاد کرده و باعث می شود تا سرمایه گذاران نتوانند به سهولت و با اطمینان بیشتر در مورد سرمایه گذاری آتی تصمیم گیری کنند و احیاناً متحمل زیان های وسیعی می شوند. بخش بانکداری نقش میانجیگرانه ای دارد و می تواند بطور مستقیم و غیرمستقیم از رشد بخش حقیقی پشتیبانی کند، در کشورهایی که اقتصادی عمدتاً بانک محور دارند رشد اقتصادی تا حد بسیار زیادی وابسته به وام های بانکی است و انعطاف پذیری بخش بانکی به دلیل تغییرات اقتصاد کلان و نقش آن در توسعه اقتصادی دارای اهمیت فراوان است (آبادی و همکاران، ۲۰۱۴). به طور کلی درجه اهرمی بالا و کم بودن سرمایه بانک ها در تناسب با حجم ترازنامه ی آنها در مقایسه با سایر شرکت های تجاری، عدم تناسب زمانی سررسید بین دارایی ها و بدهیها، لزوم حفظ اعتماد دائمی سپرده گذاران، ابتلا به ریسک های متنوعی از جمله ریسک نرخ ارز، ریسک اعتباری، عدم وجود شفافیت قطعی در صورت های مالی منتشره به دلیل سرعت بالای تغییر در اقلام ترازنامه ای در مقایسه با شرکت های تجاری و تولیدی و ... از مواردی هستند که بانک ها را به عنوان یکی از مراجع بروز بحرانها در اقتصاد شناسانده است (شکوری و مرادیان، ۱۳۸۹). نااطمینانی شرایطی است که در آن پیشامدهای ممکن که در آینده اتفاق می افتد مشخص و معلوم نیستند یا اینکه اگر این پیشامدها مشخص و معلوم باشد احتمالات مربوط به وقوع این پیشامدها در دسترس نمی باشد و زمانیکه هر کدام یا هر دوی این موارد پیش می آید تصمیم گیری نسبت به آینده پیچیده و مشکل می شود. از این رو فضای نااطمینانی بر تصمیمات حاکم می گردد. نااطمینانی ارزی نیز فضایی است که در آن تصمیم گیرندگان و عاملان اقتصادی، نسبت به میزان نوسانات نرخ ارز که در آینده با آن روبرو خواهند شد نامطمئن باشند. لازم به توضیح می باشد که بی ثباتی به عنوان آهنگ شدت تغییرات یک متغیر تعریف می شود. این شاخص از نقطه نظر اقتصاد کلان، بی ثباتی و از نظر عاملان اقتصادی نااطمینانی تلقی می شود (فشاری، ۱۳۸۷). فلذا می توان بیان داشت که، اصولاً هر فعالیت اقتصادی با درجه ای از ریسک همراه است. سودآوری یا بقای یک بنگاه اقتصادی به عوامل متعددی بستگی دارد که برخی از آنها در کنترل و برخی دیگر خارج از کنترل بنگاه است. یک بنگاه تولیدی می تواند اندازه بنگاه، تعداد کارکنان، میزان تولید و مواردی از این دست را کنترل کند ولی بر عوامل دیگری نظیر قیمت های آینده، نرخ ارز، نرخ تورم، شرایط سیاسی و فعالیت بنگاه های رقیب کنترل چندانی ندارد. لذا ریسک را هیچ گاه نمی توان کاملاً حذف کرد و تنها راه ممکن مدیریت ریسک است. بانکها و مؤسسات مالی نیز مانند هر بنگاه اقتصادی دیگر با ریسک مواجه هستند.

ماهیت فعالیتهای مالی و سر و کار داشتن آن با مفاهیمی نظیر اعتبار، سیستم های پرداخت و نرخهای مختلف، این گونه مؤسسات را در برابر ریسکهای ویژه ای قرار می دهد و از سوی دیگر روند پرشتاب توسعه فعالیتهای مالی، نوآوریهای فنی و پیچیده تر شدن سیستم های مالی باعث شده اصول مدیریت ریسک به صورت

جزء اجتناب ناپذیری از هر مؤسسه مالی درآید. ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی سه حوزه اصلی ریسک است که بانک‌ها با آن مواجهند. (همتی و محبی نژاد، ۱۳۸۸).

با توجه به روند توسعه و پویایی صنعت اعتبار، امروزه این صنعت نقش مهمی در اقتصاد کشورها یافته است. جهانی شدن اقتصاد و ورود کانال‌های جدید خدماتی نظیر اینترنت، محدودیت زمانی و مکانی را برای مشتریان اعتبار، از میان برده است. به همین دلیل مؤسسات اعتبار دهنده تمایل یافته‌اند تا فعالیت خود را به کشورهای دیگر در سرتاسر جهان گسترش دهند.

هرچند افزایش تقاضای اعتبار، افزایش رقابت و به وجود آمدن کانالهای جدید در فضای اقتصاد نوین، فرصتهای جدیدی برای مؤسسات اعتباردهنده بوجود آورده، اما از طرف دیگر آنها را نیازمند ابزارها و روشهای جدیدی نیز نموده است. این مسأله مؤسسات مزبور را به سمت تجدیدنظر، توانمندسازی و ورود فناوریهای جدید در فرآیندهای مدیریت اعتبارشان سوق داده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰).

مقامات ناظر پولی برای احتراز از تضعیف بالقوه بانک‌ها و اطمینان از سلامت نظام مالی در عرصه مقررات کلان احتیاطی باید به طور پیوسته وضعیت کیفیت اعتباری بانک‌ها را کنترل کنند، چراکه کاهش شدید کیفیت پورتفویهای وام در برخی زمان‌ها به زیانهای بزرگ برای بانک‌ها منجر شده و حتی گاهی به بحران بانکداری ختم شده است (راینهارت و روگوف، ۲۰۱۰).

با توجه به اینکه صنعت بانکداری جزء صنایع مهم و تأثیرگذار در فرآیند توسعه بوده و میزان تأثیرپذیری این صنعت از نوسانات اقتصادی موضوعی پراهمیت برای مدیران، سهامداران و اقتصاد ملی به شمار می‌آید، هدف اصلی مقاله حاضر بررسی تأثیر نااطمینانی اقتصادی بر ریسک اعتباری، عملکرد و تصمیمات وام‌دهی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بانکداری که یکی از ضروریترین بخشهای اقتصادی هر کشور است و داراییهای سیستم بانکی یکی از مهمترین اجزای سرمایه ملی محسوب می‌گردد. همچنین وامهای پرداختی نشان دهنده اجزای با اهمیت مجموع داراییهای یک بانک است. این داراییها بخش عمده‌ای از درآمدهای بهره‌ای بانکها را تشکیل میدهد و عنصر حیاتی در عملکرد مالی بانک و ثبات آن به حساب می‌آید و نرخ مطالبات معوق یکی از معیارهای عمده برای اندازه‌گیری عملکرد بانک محسوب می‌گردد (Vatansever & Hepsen, 2013). روند ثبات یا بی‌ثباتی مالی در بخش بانکی نه تنها از تصمیمات اتخاذ شده در حوزه‌های پولی و بانکی با تأثیرگذاری مستقیم هم بر وام‌گیرندگان و هم بر وام‌دهندگان، حجم پس‌انداز، هزینه، سودآوری، کارایی و نسبتهای مالی بانکی تأثیر می‌پذیرند، بلکه متغیرهای کلان اقتصادی نیز مهمترین عوامل تأثیرگذار بر بی‌ثباتی مالی بخش بانکی و در نهایت بروز بحران مالی کشورها هستند. کشورها در شرایط رکود و رونق سیاستهای اقتصادی متفاوتی را در پیش می‌گیرند که هر کدام بر روی ثبات بانکی تأثیرگذارند.

یکی از اهداف مهمی که بانکها و مؤسسات اعتباری دنبال می کنند ایجاد کارایی بیشتر در تخصیص منابع و اعطاء تسهیلات است. اما اعتبارات بانکها و مؤسسات اعتباری و رفتار آنها تحت تأثیر ناطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی قرار دارند. در شرایط معمول اقتصاد کلان، در نظر گرفتن شاخصهای اصلی عملکرد اقتصاد مانند نرخ بهره و نرخ تورم، میزان رشد درآمد ملی برای ارزیابی عملکرد بانکها و مؤسسات مالی کافی است. اما در شرایط ناطمینانی باید علاوه بر عوامل اولیه مذکور عوامل ثانویه مانند ناطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ ارز نیز در نظر گرفته شود، زیرا نوسانات ارزی در کشورهای در حال توسعه، یکی از مولفه های اصلی موجب ناطمینانی هستند (فرزام و همکاران، ۱۳۹۴).

شاید قرض گیرندگان وابسته به بانک سهمیه بندی نشوند، اما آنها مطمئن هستند که باید هزینه های اضافی مربوط به تحقیق برای یافتن قرض دهندگان جدید و ایجاد روابط اعتباری جدید را تحمل کنند (برنانکه و گرتلر، ۱۹۹۵). این هزینه اضافی به ویژه برای بنگاه های کوچک و متوسط واضح است؛ جایی که نقش اطلاعات خصوصی و نرم مهمتر بوده و هزینه کسب اطلاعات و کنترل ارزش اعتباری قرض گیرندگان به مراتب بزرگ تر است. با این وجود، اثر کمی یک کاهش در وام بانک ها معین نیست، چرا که این اثر به اندازه کاهش اعتبار، اثر آن بر هزینه های اعتباری و سهمی از تولید که توسط بنگاههای وابسته به بانک صورت می گیرد، وابسته است (برنانکه و لاون، ۱۹۹۱). این امر بیشتر یک موضوع تجربی است.

در زمان های رکود، زیان های وام می تواند باعث شود بانک ها در واکنش به فشار مقامات نظارتی و بازارهای مالی به منظور حفظ نسبتهای حداقل سرمایه عرضه اعتبار را کاهش دهند. اگر نظام بانکی در کل، سرمایه ای بیش از آنچه برای جذب شوکهای منفی نیاز است در اختیار دارد، اثر کلی روی اعتبارات بانکی محدود بوده و بنابراین اثر بازخوردی قابل چشم پوشی است. در مقابل، اگر بانک ها ضربه گیرهای سرمایه ای اندکی داشته باشند، آنها ترجیح می دهند به جای افزایش سرمایه که در مواقع رکود خیلی پرهزینه است، اعطای وام را کاهش دهند (پیک و روزنگرن، ۱۹۹۵). به همین دلیل برنانکه و لاون (۱۹۹۱)، استدلال کردند که بهتر است خرد شدن اعتبار را خرد شدن سرمایه بنامیم، چراکه خرد شدن سرمایه مهمترین عامل توان بانک ها در اعطای اعتبار است. اگر وام بانکی نتواند به آسانی به وسیله سایر منابع تامین مالی جایگزین شود، بنگاههای اقتصادی با کمبود منابع برای اجرای طرح های سرمایه گذاری خود روبه رو می شوند. این مساله باعث تقویت رکود شده که هم سیکلی را مشخص می کند.

از طرف دیگر با افزایش نرخ تورم هزینه پول (بهره حقیقی) کاهش یافته و همین امر تمایل به دریافت وام را افزایش داده و ریسک بانکی و ثبات در این بخش را تحت تأثیر قرار می دهد. افزایش نرخ بیکاری و کسری بودجه دولت نیز باعث می شود دولت جهت افزایش اشتغال یا کاهش کسری بودجه دولت به سیاستهای انبساطی و استقراض از بانکها روی آورد که می تواند بر روی ریسک و ثبات بانکی تأثیر گذار باشد. در کشورهایی همچون ایران که از نظام بانکی دولتی تبعیت می کنند ثبات و ریسک بانکی تا حدود زیادی تحت تأثیر سیاستهای پولی قرار دارد که بیش از هر چیز متأثر از شرایط اقتصادی کشور و دولت می باشد.

با توجه به اینکه ریسکهایی که بانک‌ها باید مدیریت کنند، متنوع هستند، چندین تقسیم‌بندی وجود دارد. اقتصاددانان بین ریسکهای اقتصاد خرد یا ریسکهای ویژه که میتواند از طریق قانون اعداد بزرگ متنوع سازی شود و ریسک‌های اقتصاد کلان یا ریسکهای سیستماتیک که قابلیت متنوع سازی ندارند، تمایز بنیادین قائل می‌شوند (طالب‌لو، ۱۳۹۳). عوامل سیستماتیک مؤثر بر ریسک اعتباری عبارتند از:

الف - عوامل اقتصاد کلان مانند نرخ بیکاری، تورم، رشد اقتصادی، شاخص قیمت سهام، نسبت اعتبارات اعطاشده به بخش خصوصی به تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و نوسانات آن.

ب - تغییر متغیرهای سیاستی مانند متغیرهای پولی و مالی، تغییرات در محیط قانون گذاری، تغییرات در سیاستهای تجاری مانند محدودیت واردات و تشویق صادرات.

ج - تغییرات سیاسی و یا تغییر در اهداف احزاب سیاسی پیشرو.

تمامی این عوامل می‌توانند بر احتمال بازپرداخت وام توسط وام‌گیرندگان و بنابراین بر ریسک اعتباری بانک‌ها اثرگذار باشند. عوامل غیرسیستماتیک، عوامل خاصی به شرح زیر هستند:

الف - ویژگیهای منحصر به فرد وام‌گیرندگان مانند شخصیت فردی، شفافیت مالی، و پوشش اعتباری آنها

ب - ویژگیهای سازمانی مانند مدیریت، وضعیت مالی، منابع و گزارشگری مالی، توانایی بازپرداخت وام و عوامل خاص آن بخش از صنعت (کاسترو، ۲۰۱۳).

پیرامون نااطمینانی اقتصادی با ریسک اعتباری و عملکرد و میزان وام‌دهی تعدادی از مطالعاتی که در داخل و خارج کشور انجام شده به شرح زیر می‌باشد:

کاروالو و پاگلیسی (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر شوکهای کلان اقتصادی بر روی ثبات مالی بانکی و قیمت مسکن در ونزوئلا در بازه ۲۴ ساله منتهی به سال ۲۰۱۳ پرداختند. آنها از یک الگو تصحیح خطای عاملی برای بررسی تأثیر شوکهای کلان بر بی‌ثباتی بانکی و قیمت مسکن استفاده کردند. نتایج نشان داد که رشد تولید ناخالص بانکی باعث ایجاد بی‌ثباتی مالی بانکی شده و افزایش قیمت مسکن را در پی دارد. همچنین سیاستهای مالی و نرخ ارز نیز تأثیر مستقیم بر بی‌ثباتی مالی بانکی خواهد داشت در مطالعه‌ای دیگر ویمصطفی و سکری (۲۰۱۵)، به بررسی ارتباط بین مشخصات و ویژگیهای بانک و همچنین متغیرهای کلان و تأثیر آن بر روی بانکهای مالزی شامل ۱۵ بانک تجاری و ۱۳ بانک اسلامی در دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۰۰ پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که در بانکهای تجاری نسبت بدهی به دارایی، اندازه و سود عوامل مؤثر بر ریسک نقدینگی میباشد. در بانکهای اسلامی نیز نوع قراردادها باعث ریسک نقدینگی میشود و در هر دو نوع بانک تنها حجم نقدینگی و تورم به وجود آورنده ریسک نقدینگی می‌باشند همچنین پژوهشی تحت عنوان مدل سازی اقتصاد کلان ریسک اعتباری برای بانک‌های ترکیه، با استفاده از داده‌های دوره زمانی ژانویه ۱۹۹۸ تا جولای ۲۰۱۲ با هدف کشف روابط بین ریسک اعتباری و عوامل اقتصاد کلان، به دو روش کوتاه مدت (با استفاده از الگوی هنری) و بلندمدت (روش انگل گرنجر) توسط یورداکول (۲۰۱۳) انجام شد که حاصل هر دو مدل بیان داشت که ریسک اعتباری تحت تأثیر عوامل اقتصاد کلان قرار دارد، به طوری که رابطه نرخ رشد و شاخص ISE-100 با ریسک اعتباری منفی و رابطه نوسان‌های نرخ

مبادله ارزهای خارجی، نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ بهره با ریسک اعتباری مثبت هستند. همچنین مدل دینامیک (کوتاه مدت) بیان داشت که ریسک اعتباری دوره قبل اثر قابل توجهی به ریسک اعتباری دوره جاری دارد. در تحقیقات داخلی مرتبط داخلی نیز پژوهان و دوانی (۱۳۸۳)، در بررسی حساسیت سرمایه گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی، با اشاره به این نکته که متغیر نرخ بهره به عنوان قیمت در بازار مالی یکی از متغیرهای مهم اقتصادی است، این متغیر را عامل بی ثباتی مالی و اقتصادی دانسته و شکاف موجود میان نرخ بهره بازار رسمی و غیر رسمی مالی در اقتصاد ایران را از موضوعات مهم معرفی می کنند و بر اساس نتایج به دست آمده به این نتیجه می رسند که اگر دولت با رعایت توالی آزادسازی، اقدام به افزایش نرخ بهره بازار رسمی کند، نرخ بهره به سمت تعادل حرکت کرده و ضمن کاهش شکاف، زمینه گسترش اعتبارات سیستم بانکی و افزایش سرمایه گذاری از محل این اعتبارات را فراهم می آورد و شکاف بین دو نرخ بهره بازار رسمی و غیررسمی، کاهش یافته و موجبات افزایش سرمایه گذاری، اشتغال و تولید نیز فراهم می گردد. همچنین در مقاله ای با عنوان " بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف عیوضلو و میثمی (۱۳۸۷)، "، به صورت نظری بر دو مورد از منافع اقتصادی که از به کارگیری قانون الهی درباره تحریم ربا انتظار میرود (یعنی ثبات و کارایی) تمرکز کردند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که تأمین مالی اسلامی، نسبت به تأمین مالی متعارف، باثباتتر و کاراتر است و به دلایل گوناگون، رشد بیشتری را نیز نوید میدهد. همچنین میرزایی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان « تأثیر ناطمینانی متغیرهای کلان اقتصادی (نرخ ارز و تورم) به روی ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک تجارت طی سال های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ با استفاده از مدل های اقتصادسنجی و در قالب آزمون های متعدد، نتیجه گرفتند که اثر ناطمینانی نرخ ارز و تورم بر روی ریسک اعتباری بانک تجارت مثبت و معنی دار است. علاوه بر موارد مذکور ذالبگی دارستانی (۱۳۹۳)، در مطالعه ای با استفاده از داده های شبکه بانکی ایران در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ عوامل مؤثر بر ثبات در شبکه بانکی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در این مقاله شاخص z-score و اجزای تشکیل دهنده آن به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده اند. با توجه به نتایج به دست آمده، وام دهی بانکها بر ثبات بانکی تأثیر داشته که این تأثیر منفی و معنادار بوده است. با وجود مطالبات معوق در بانکها، میزان وام دهی در کشور و مطالبات معوق بر ثبات بانکی تأثیر منفی دارد. نسبت بازدهی سرمایه به عنوان متغیر سودآوری بر ثبات بانکی در شبکه بانکی کشور تأثیر گذاشته و دارای ضریب مثبت و معناداری است.

۳- روش شناسی پژوهش

در این مطالعه برای بررسی تأثیر ناطمینانی اقتصادی بر تصمیمات وام دهی بانکها از مدل رگرسیون چندگانه با استفاده از روش پنل دیتا استفاده می شود. داده های مورد استفاده در بازه زمانی پنج ساله در طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۹۴ برای بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شد. نمونه آماری شامل ۱۳ بانک (اقتصاد نوین، انصار، پارسیان، پاسارگاد، تجارت، صادرات، ملت، حکمت، دی، سامان، سینا، قوامین و کارآفرین) می باشد.

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل رگرسیون و همبستگی و به دلیل نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

داده‌های ترکیبی روندهای گذشته متغیرها را در بر گرفته و از نظر لحاظ کردن پویایی متغیرها، اطمینان ایجاد می‌کند. برای آزمون هر فرضیه از مدل‌های جداگانه طبق تحقیق چی و لی (۲۰۱۷) * استفاده شده است که بصورت زیر می‌باشد.

- 1) $CR_{it} = \beta_0 + \beta_1 UNCERTAINTY_{it} + \beta_2 CAP_{it} + \beta_3 INF_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$
- 2) $ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 UNCERTAINTY_{it} + \beta_2 CAP_{it} + \beta_3 INF_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$
- 3) $LOAN_{it} = \beta_0 + \beta_1 UNCERTAINTY_{it} + \beta_2 CAP_{it} + \beta_3 INF_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \epsilon_{it}$

که در آن: CR: ریسک اعتباری بانک، ROA: نرخ بازده دارائیه‌ها (شاخص عملکرد)، LOAN: میزان وام دهی بانکها، UNCERTAINTY: عدم ثبات اقتصادی، CAP: نسبت کفایت سرمایه، INF: نرخ تورم و SIZE: اندازه بانک می‌باشد.

برای محاسبه عدم ثبات اقتصادی از انحراف معیار شاخصهای (نرخ ارز، نرخ بهره سالانه، تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد ملی، نرخ تورم، نسبت فروش نفت به درآمد ملی، نسبت مالیات به درآمد ملی) از سایت بانک مرکزی و مرکز آمار ایران استفاده شده است.

۴- فرضیات پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق و طبق مقاله پایه چی و لی (۲۰۱۷) فرضیاتی به شرح ذیل تدوین گردید:

- ۱) سطوح بی‌ثباتی سیاستهای اقتصادی تاثیر مثبت و معناداری بر ریسک اعتباری بانکها دارد.
- ۲) سطوح بی‌ثباتی سیاستهای اقتصادی تاثیر منفی و معناداری بر عملکرد بانکها دارد.
- ۳) سطوح بی‌ثباتی سیاستهای اقتصادی تاثیر معناداری بر میزان وام دهی بانکها دارد.

۵- متغیرهای پژوهش

ریسک اعتباری: ساده‌ترین تعریف ریسک اعتباری عبارت از: احتمال رخ دادن زیان در یک معامله اعتباری، مک‌گروهیل در کتاب مدیریت ریسک به نقل از میچل گروهی ریسک اعتباری را بصورت زیر زیر تعریف کرده است. ریسک عدم پرداخت، در پی تغییر در عواملی که کیفیت اعتباری یک دارایی را شکل می‌دهند به وجود می‌آید. بر طبق تعریف کمیته بال ریسک اعتباری در ساده‌ترین شکل آن عبارت است از: احتمال اینکه یک وام گیرنده یا شریک به تعهدات خود طبق شرایط توافق شده عمل ننماید (همتی و محبی نژاد، ۱۳۸۸).

عملکرد بانک: عملکرد بانک براساس نرخ بازده دارائیه‌ها سنجیده می‌شود. بازده دارایی‌ها نشان دهنده مدیریت کارآمد در رابطه با استفاده از دارایی‌ها در جهت تولید سود (دارایی‌های مولد) می‌باشد، که از طریق تقسیم سود سالانه به کل دارایی شرکت محاسبه می‌شود. این نسبت، نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که

تحت مدیریت بانک قرار دارد مرتبط می سازد. این نسبت یکی از نسبتهای مهم برای ارزیابی کارآمدی و توان مدیریت است و خالص درآمدی را که از به کاربردن کل دارایی های بانک ایجاد می شود، ارزیابی می کند(منصوریان و همکاران، ۱۳۹۳).

عدم ثبات اقتصادی: برای تعریف بی ثباتی اقتصاد کلان می توان از تعریف ثبات اقتصاد کلان کمک گرفت؛ به گونه ای که بی ثباتی اقتصاد کلان نقطه مقابل ثبات اقتصاد کلان است. براساس تعریف مؤسسه پژوهشی ریوت اصطلاح " ثبات اقتصاد کلان "وضعیتی از اقتصاد ملی را توصیف می کند که در آن آسیب پذیریهایی ناشی از شوکهای خارجی به حداقل رسیده باشد. اگرچه ثبات اقتصاد کلان برای رشد لازم است، اما کافی نیست. نوسانات ارز، بار زیاد بدهی و تورم مدیریت نشده میتواند از علل بحرانهای اقتصادی و کاهش شدید در تولید ناخالص داخلی باشد.

بر اساس ضوابط ماستریخت، ثبات اقتصاد کلان از طریق پنج متغیر سنجیده می شود. تورم پایین و باثبات(حد بالای تورم ۳ درصد) ، نرخ بهره بلندمدت پایین(محدود به دامنه ۹ درصد)، نسبت اندک بدهی ملی به تولید ناخالص داخلی (حد بالای بدهی ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی)، کسری سالانه پایین دولت(حد بالای کسری ۳ درصد تولید ناخالص داخلی) و ارز باثبات(نوسان ارز حداکثر ۲ درصد تا ۲,۵ درصد).

بی ثباتی اقتصاد کلان بیشتر اوقات پیامد عوامل خارجی است (مانند تغییر در شرایط تجاری یا نوسانات نرخ بهره جهان)، اما گاهی اوقات علت سیاستی دارد(صامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

در تعریف یک محیط باثبات اقتصاد کلان در حالت کلی بر پنج شاخص نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، وضعیت مالی دولت و تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد ملی، نسبت مالیات به درآمد ملی، نسبت فروش نفت به درآمد ملی تاکید می شود.

الف: (تغییرات نرخ ارز) اندازه گیری شده از طریق تغییر در نرخ واقعی ارز

ب : (تغییرات سطح عمومی قیمتها) اندازه گیری شده از طریق نرخ تورم سالانه.

کفایت سرمایه: نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد می باشد. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال به بانک های دنیا معرفی گردید. کمیته بال در آن سال مجموعه ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک ها پیشنهاد کرد که بعدها به «پیمان بال» معروف شد. براساس قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حداقل نسبت کفایت سرمایه مطلوب برای بانک های ایرانی معادل ۸ درصد است (منصوریان و همکاران، ۱۳۹۳).

$$CAR = \frac{\text{Tier 1 capital} + \text{Tier 2 capital}}{\text{Risk weighted assets}}$$

اندازه بانک: اندازه بانک به وسیله ارزشیابی کل دارایی های بانک سنجیده می شود و اهمیت اندازه بانک، به علت رابطه آن با ساختار مالکیت و دسترسی به سرمایه سهام می باشد. دسترسی بانک به سرمایه سهام می تواند

انعطاف پذیری بانک را در برابر هزینه های ورشکستگی افزایش دهد، در نتیجه بانک های بزرگتر به علت دسترسی آسان تر به بازارهای سرمایه و دارا بودن پرتفوی متنوع تر نیاز به الزامات سرمایه ای کمتری دارند(منصوریان و همکاران، ۱۳۹۳).

۶- یافته های پژوهش

الف: آمار تحلیلی

برای انجام آزمونها و انتخاب مدل مناسب از الگوهای داده های ترکیبی، جهت انجام آزمون همگنی، ابتدا مدلهای فرض آماری برای هر فرضیه بصورت جداگانه در قالب دو روش ضرایب مشترک و ضرایب با اثرات ثابت تخمین زده شد و با توجه به آماره F بدست آمده مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات مشترک برای آزمون فرضیات تحقیق انتخاب شد.

ب: آزمون فرضیات پژوهش

در این قسمت نتایج هر یک از فرضیات با استفاده از رگرسیون و مدل Panel data ارزیابی شده در نهایت نتیجه کلی برای هر مدل برآورد شده است.

نتایج فرضیات در مدل اول برای آزمون فرضیه اول

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است ۲۴/۶۳ درصد از ریسک اعتباری بانکها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در جدول (۱)، در سطح خطای کمتر از ۵ درصد ارتباط معناداری بین عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با ریسک اعتباری وجود دارد. در نتیجه وجود رابطه معنی داری میان عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با ریسک اعتباری در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد و با توجه به مثبت بودن ضریب این تاثیر بصورت مستقیم می باشد. و آماره دوربین واتسون (۱،۹۴)، بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلاص در دوره های مختلف مورد بررسی است که با استفاده از روش EGLS برطرف شده است. نتایج حاصل از آزمون متغیرهای کنترلی نیز بیانگر عدم وجود ارتباط معنادار بین نسبت کفایت سرمایه با ریسک اعتباری و تاثیر مثبت نرخ تورم و منفی اندازه بانک با ریسک اعتباری می باشد.

جدول شماره ۱

متغیر وابسته: ریسک اعتباری			
Sign.	t-Statistic	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۰۲۹	۲,۱۸	۷,۲۵	عدم ثبات اقتصادی
۰,۷۸	-۰,۲۷	-۰,۰۰۰۵	نسبت کفایت سرمایه
۰,۰۱	۲,۵۳	۰,۰۰۲	نرخ تورم
۰,۰۰۱	-۳,۱۷	-۰,۰۶	اندازه بانک
۰,۲۴۶۳			Adjusted R ²
۲۵,۴			F-statistic
۰,۰۰۰			Prob(F-statistic)
۱,۹۴			Durbin-Watson

نتایج فرضیات در مدل دوم برای آزمون فرضیه دوم

در بررسی معنی دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کل مدل تایید می شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است ۸۳/۰۱ درصد از عملکرد بانکها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می گردد. در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در جدول (۲)، در سطح خطای کمتر از ۵ درصد ارتباط معناداری بین عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با عملکرد که توسط نرخ بازده دارائیهها اندازه گیری شده وجود دارد. در نتیجه وجود رابطه معنی دار میان عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با عملکرد بانکها در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می گیرد و با توجه به مثبت بودن ضریب این تاثیر بصورت مستقیم می باشد. و آماره دوربین واتسون (۱,۹۱)، بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلال در دوره های مختلف مورد بررسی است که با استفاده از روش EGLS برطرف شده است. نتایج حاصل از آزمون متغیرهای کنترلی نیز بیانگر عدم وجود ارتباط معنادار بین نسبت کفایت سرمایه با عملکرد و تاثیر مثبت نرخ تورم و منفی اندازه بانک با عملکرد بانکها می باشد.

جدول شماره ۲

متغیر وابسته: عملکرد			
Sign.	t-Statistic	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۳	۳,۱۶	۸,۰۸	عدم ثبات اقتصادی
۰,۰۶۰	۱,۹۳	۰,۰۰۰۶	نسبت کفایت سرمایه
۰,۰۱۶	۲,۵۰	۰,۰۰۰۱	نرخ تورم

متغیر وابسته: عملکرد			
Sign.	t-Statistic	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۰۰۰	-۸,۲۳	-۰,۰۳۹	اندازه بانک
	۰,۸۳۰۱		Adjusted R ²
	۱۸,۵۹		F-statistic
	۰,۰۰۰		Prob(F-statistic)
	۱,۹۱		Durbin-Watson

نتایج فرضیات در مدل سوم برای آزمون فرضیه سوم

در بررسی معنی‌دار بودن کل مدل با توجه به این که مقدار احتمال آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کل مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است ۹۰/۶۴ درصد از میزان وام دهی بانکها توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌گردد. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده در جدول (۳)، در سطح خطای کمتر از ۵ درصد ارتباط معناداری بین عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با میزان وام دهی بانکها وجود ندارد. در نتیجه وجود رابطه معنی‌دار میان عدم ثبات سیاستهای اقتصادی با میزان وام دهی بانکها در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌گردد. آماره دوربین واتسون (۲,۱۸)، بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلاص در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که با استفاده از روش ECLS برطرف شده است. نتایج حاصل از آزمون متغیرهای کنترلی نیز بیانگر عدم وجود ارتباط معنادار بین نسبت کفایت سرمایه با میزان وام دهی و تاثیر منفی نرخ تورم و مثبت اندازه بانک با میزان وام دهی بانکها می‌باشد.

جدول شماره ۳

متغیر وابسته: میزان وام دهی			
Sign.	t-Statistic	Coefficient	متغیرهای مستقل
۰,۵۳	-۰,۶۱	-۳,۶۳	عدم ثبات اقتصادی
۰,۷۵	-۰,۳۱	-۰,۰۰۰۸	نسبت کفایت سرمایه
۰,۰۱	-۲,۵۰	-۰,۰۰۱	نرخ تورم
۰,۰۰۰	۳۷,۳	۱,۰۶	اندازه بانک
	۰,۹۰۶۴		Adjusted R ²
	۷۲,۵		F-statistic
	۰,۰۰۰		Prob(F-statistic)
	۲,۱۸		Durbin-Watson

۷- بحث و نتیجه گیری

در این مقاله، تاثیر بی ثباتی سیاستهای اقتصادی بر ریسک اعتباری و میزان وام دهی بانکهای ایرانی در نمونه ای متشکل از ۱۳ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. به جهت اندازه گیری میزان بی ثباتی و نااطمینانی سیاستهای اقتصادی، عوامل مهمی مانند نرخ ارز، نرخ بهره سالیانه، تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد ملی، نرخ تورم، نسبت فروش نفت به درآمد ملی، نسبت مالیات به درآمد ملی استخراج و پس از تعیین انحراف معیار، به عنوان شاخص نااطمینانی سیاستهای اقتصادی وارد مدل گردید. در خصوص فرضیه اول ارتباط معنادار و مثبتی بین بی ثباتی سیاستهای اقتصادی و ریسک اعتباری بانکها مورد تأیید قرار گرفت. در تشریح اثبات فرضیه فوق می توان به اثر منفی شاخص بی ثباتی اقتصادی خصوصا نرخ بهره و تورم بر احتمال نکول و ورشکستگی وام گیرندگان و نهایتا بالا رفتن ریسک اعتباری اشاره نمود. در آزمون فرضیه دوم علی رغم انتظار و برخلاف ادبیات موضوع، نتایج بدست آمده حاکی از ارتباط مستقیم بی ثباتی اقتصادی و عملکرد بانکها می باشد. این موضوع نشان دهنده ساختار و عملکرد خاص بانکها در بازار پولی ایران می باشد. به عبارتی دیگر با توجه ماهیت بنگاه محور نظام بانکی، عمده سرمایه در اختیار بانکها صرف امور مبادله ایی و اخذ سپرده های با سود کم و اعطای تسهیلات با بهره بالا می گردد. لذا در زمان ظهور بی ثباتی اقتصادی نیاز مضاعف جامعه به نقدینگی توسط شبکه بانکی تامین و این امر بهبود عملکرد بانکها می گردد. در نهایت نتایج حاصله از آزمون فرضیه سوم نشان دهنده عدم ارتباط معنا دار بین نااطمینانی سیاستهای اقتصادی و میزان وام دهی بانکها می باشد، که این امر نیز می تواند مربوط به ساز و کار متعارف سیستم بانکی کشور در بخش اعطای تسهیلات باشد. منشاء بخش عمده تسهیلات بانکی مربوط به الزامات قانونی و ساختار دستوری وام دهی در ایران دارد. با توجه موضوع مذکور بی ثباتی اقتصادی نمی تواند اثر محسوسی بر میزان وام دهی بانکها داشته باشد.

با توجه بیشتر به امر بازنگری و روزآمدسازی مقررات و استانداردهای سرمایه و نسبت کفایت آن بر اساس پیشرفتهای صورت گرفته در بیانیه بال ۲ که زیرساختهای ارتقای محاسبه کفایت سرمایه را بر اساس انواع ریسک و موضوع مهم اعتبارسنجی و رتبه بندی اعتباری مورد توجه قرار داده و همچنین بیانیه بال ۳ که ضوابط سختگیرانه ای را برای کنترل ریسک و ورود بانکها به حوزه های سرمایه گذاری تجاری اعمال می کند، می توان به بهبود کفایت سرمایه و تبع آن کاهش ریسک و تقویت عملکرد بانکها یاری رساند. اتخاذ سیاستهای کلان مالی و اقتصادی میان مدت و بلند مدت در زمینه متغیرهای اصلی و قابل کنترل کلان اقتصادی اعم از نرخ ارز، نرخ تورم و ثبات در قوانین و بخشنامه های مرتبط به حوزه های مالیاتی و بیمه ای در کشور و همچنین تثبیت شاخصهای اصلی اقتصادی به خصوص نرخ سود بانکی، ضرایب مالیاتی و دیگر عوامل درونی و قابل کنترل اقتصادی کشور می تواند نقش به سزایی در بهبود عملکرد و سیاستگذاری بانکها داشته باشد. سیستم بانکی کشور نیز می تواند با توجه و دقت بیشتر در سیاستهای کلان اقتصادی خارجی و داخلی و پیش بینی راه های پوشش ریسکهای ناشی از تغییرات احتمالی و عنایت بیشتر روشهای اعتبار سنجی پیشرفته به جای روشهای قضاوتی و سنتی منابع خود را به سمت مصارف و تسهیلات کم ریسک هدایت نماید.

علاوه بر این توجه بیشتر به احصاء درآمد های پایدار به جهت برنامه ریزی مناسب تر و احتراز هر چه بیشتر از وابستگی به درآمد های نفتی از سوی دولتمردان و اهتمام ویژه در خصوص اعمال سیاستهای اقتصاد مقاومتی در سطح کلان برنامه ریزی کشوری نقشی اثر بخش و سودمند در رفع نواقص موجود دارا می باشند.

منابع و مآخذ

- * آقامحمدی رنانی، سمیه؛ برزانی، محمدواعظ؛ دلالی اصفهانی، رحیم و محمدرضا قاسمی (۱۳۹۲)، " بررسی اثر ارزش محصول واسطه گری بانکهای تجاری بر بی ثباتی اقتصادی ایران ، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشهای اقتصادی، دوره 13 ، شماره 2، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- * بانک مرکزی ج.ا.آ، بانک اطلاعات و سربهای زمانی اقتصادی سایت رسمی بانک مرکزی ج.ا.آ.
- * توکلیان، حسین .(۱۳۹۰). نگاهی به بازدهی انواع دارایی ها با تأکید بر بازار سکه ، طی دوره ۹۰-۱۳۸۵، ویژه نامه تازه های اقتصاد ، سال نهم، ۱۳۳، ۱۲۳-۱۱۷.
- * پژوهان، جمشید و عبدالله دوانی (۱۳۸۳)، " حساسیت سرمایه گذاری در واکنش به نرخ سود بانکی"، پژوهشنامه اقتصادی، دوره 4، شماره 3، صص ۱۳-۵۴.
- * عیوضلو، حسین و حسین میسمی(۱۳۸۷)، " بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره 31، دوره 8، صص ۱۶۱-۱۹۰.
- * همتی، عبد الناصر و. محبی نژاد، شادی، (۱۳۸۸)، ارزیابی تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ریسک اعتباری بانکها، پژوهشنامه اقتصادی، ویژه نامه بانک، (۶)، ۳۳-۵۹.
- * Bernanke, S. and Gertler, M. (1995). Inside the Black Box: The Credit Channel of Monetary Policy Transmission. *Journal of Economic Perspectives*, P 9.
- * Carvallo, O., & Pagliacci, C. (2016). Macroeconomic shocks, bank stability and the housing market in Venezuela, *Emerging Markets Review*. Volume 26, Pages 174-196.
- * Castro, V. (2013). Macroeconomic determinants of the credit risk in the banking system: The case of the GIPSI. *Economic Modelling*. Vol 31. 672-683
- * Kim, K.-h. (2003). Dollar exchange rate and stock price: evidence from multivariate cointegration and error correction model. *Review of Financial Economics*, 12(3): 301-313.
- * Saunders, A., & P. Yourougou. (1990). Are banks special? The separation of banking from commerce and interest rate risk. *Journal of Economics and Business*, 42(2):171-182.
- * Waemustafa, W., & Sukri, S. (2015). Bank Specific and Macroeconomics Dynamic Determinants of Credit Risk in Islamic Banks and Conventional Banks. *International Journal of Economics and Financial Issues*. 2015, 5(2), 476-481.
- * Golob, J., (1994), "Does Inflation Uncertainty Increase with Inflation?" *Federal Reserve Bank of Kansas City Economic Review* 79:pp. 27-38.
- * Se tiawan Abadi, Azam Achسانی , Dwi Rachmina (2014). The Dynamics of Non-performing Loan in Indonesian Banking Industry: A Sensitivity Analysis Using VECM Approach. *International Journal of Education and Research*, 2(8).pp.123-140.
- * Va tansever, M. & Hepsen, A. (2013). Determining Impacts on Non-performing Loan Ratio In Turkey. *Journal of Finance and Investment Analysis*, 2(4), pp.119-129.

- * Yu rdakul, F. (2013). Macroeconomic Modeling of Credit Risk for Banks. 2nd World Conference on Business, Economics and Management (WCBEM 2013). Procedia-Social and Behavioral Sciences, 109(2014), pp.784-793

یادداشت‌ها

- ¹ EX-ant
² EX-post